

آشنایی با یک طنز پرداز عصر مشروطه

۶ مهر ۱۳۹۴ ساعت ۱۹:۰۹

سید اشرف‌الدین حسینی گیلانی معروف به نسیم شمال از مشهورترین شاعران طنزپرداز دوره مشروطه است.

دوران زندگی او مملو از حوادث مهمی است که جامعه ایرانی درگیر آن بوده است. این شاعر پرمایه سال ۱۲۸۷ قمری در قزوین به دنیا آمد و از کودکی طعم تلخ بی‌پدیری را چشید. وی دروس ابتدایی را در قزوین گذراند. در حین تحصیل روزگار با او روی موافق نشان نداد، اما از تحصیل باز نماند و برای ادامه فراگیری دروس حوزه راهی بین‌النهرین شد. مدت پنج سال در نجف و کربلا گذراند و بعد به ایران مراجعت کرد. چند سالی در قزوین بود و در ۲۲ سالگی راهی تبریز شد و اقامت پنجساله‌ای در این شهر داشت و در ۲۸ سالگی به رشت رفت. به خاطر اقامت طولانی وی در گیلان به اشرف‌الدین گیلانی معروف شد. چند صبحی از اقامت او در رشت نگذشته بود که فرمان مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه صادر شد و او به فکر راه‌اندازی روزنامه‌ای در شهر رشت افتاد که اولین شماره آن با نام نسیم شمال در دوم شعبان ۱۳۲۵ هجری قمری منتشر شد.

این نشریه بلافاصله بعد از انتشار مورد توجه مردم قرار می‌گرفت. از یک سو قیمتی نازل داشت و مردم آن را به شش تا هشت شاهی می‌خریدید و از سوی دیگر شعرش عوام‌پسند بود. مردم روزنامه را می‌خریدند و در کوچه پس‌کوچه کناری می‌ایستادند و همراه دوستان به خواندن اشعار آن می‌پرداختند. اشرف‌الدین که از این پس نسیم شمال خوانده می‌شد، یکنفره روزنامه را اداره می‌کرد. همه اشعار این چهار صفحه نشریه را خودش می‌سرود و از آنجا که شعرش طنز شیرینی داشت در کوچه پس‌کوچه اشعارش ورد زبان خاص و عام بود و حتی در مجالس طرب نیز خوانندگان از روی شعرش ترانه‌ای می‌ساختند و مناسب مجلس بزم می‌خواندند.

او با توجه به شعرهایی که برای انتشار در نشریه‌ای می‌سرود، تخلص‌های گوناگونی داشت مانند اشرف، اشرف گیلانی، نسیم، نسیم شمال، فقیره، هوپ هوپ. اشعار فکاهی او بازتاب مشکلات و مسائل روزگارش بود. طعنه و گوشه و کنایه زیاد داشت. صاحبان قدرت و مکننت از گزند انتقادهای او به دور نبودند. علیه ظلم و استبداد و فقر می‌نوشت.

روزنامه بعد از انتشار از سوی خود نسیم شمال در کوچه و بازار توزیع می‌شد و هر شماره آن بین ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نسخه بود و گاهی به ۴۰۰۰ نسخه هم می‌رسید. در دوران استبداد صغیر و خاموشی موقت مشروطه‌خواهان، انتشار نسیم شمال هم با مشکل مواجه شد.

سید اشرف‌الدین گیلانی اما همچنان دل در گرو مشروطه داشت و همراه برخی از سیاسیونی که در دوره استبداد به نهانگاه‌ها خزیده بودند، پنهانی تلاش‌هایی را برای آگاهی‌بخشی به مردم و مبارزه علیه شاه مستبد آغاز کرد.

اشرف‌الدین در این دوره با عده‌ای شامل عبدالحسین خان معزالسلطان معروف به سردار محیی و میرزا کریم‌خان رشتی در کمیته‌ای با عنوان ستاره شرکت کرد. وی در نشست‌های سری این کمیته حضور پیدا می‌کرد و بعد از بحث و بررسی پیرامون اوضاع و احوال زمانه به میان مردم کوچه و بازار می‌آمد و برای آنان سخن می‌گفت و از ظلم و ستمی که بر مردم رفته است، حکایتی‌هایی را بر زبان جاری می‌کرد.

دوره خفقان سه ساله استبداد صغیر با همت مردم و مجاهدان مشروطه با فتح تهران به پایان رسید. اشرف‌الدین در این دوران دوشادوش عدالتخواهان با بستن قطار فشنگ به کمرش سنگر به سنگر در جدال با مستبدان شرکت می‌کرد. بعد از خلع محمدعلی شاه و جایگزینی احمدشاه بار دیگر نسیم شمال منتشر شد، اما این بار نیز گرفتاری‌های دیگری دامن مشروطه‌خواهان و نسیم شمال را گرفت. روس‌ها حضور موثری در مناطق شمالی از جمله گیلان داشتند و حتی محدودیت‌هایی را برای نشریاتی که منتقد اوضاع و احوال زمانه بودند، ایجاد کردند.

روزنامه نسیم شمال هم در این مرحله بی‌نصیب نماند و روند انتشار نشریه مختل شد. از این پس روزنامه زمانی منتشر شد که هم اشرف‌الدین که درگیر بیماری‌های متعدد روحی و جسمی بود، فراغتی حاصل کند و هم وضع مالی او اجازه می‌داد تا نشریه را گاه‌به‌گاه منتشر کند. در عین حال طنز روزنامه گزنده‌تر شده بود و اشرف‌الدین هم در نقد اوضاع سیاه بی‌محابت‌تر. دولتمردان وقت که از تیزی اشعار او به ستوه آمده بودند در ابتدای امر به طریق مدارا رفتار می‌کردند، اما کم‌کم به ستوه آمدند و از باب چاره‌جویی بین مردم شایعه کردند که نسیم شمال این روزها گرفتار جنون است و حتی ترفندی اندیشیدند و او را راهی تیمارستان کردند. اگر نبود مساعدت‌های آیت‌الله سیدحسن مدرس و دیگر دوستانش امکان داشت سید اشرف‌الدین تا آخر عمر در همان تیمارستان که برای او حکم زندان را داشت، بماند و بمیرد.

او گرچه از تیمارستان رهایی یافته بود، اما دیگر مثل سابق دل و دماغی نداشت. پولی هم در دست و بال او نمانده بود تا با آن بتواند دوباره نشریه خود را منتشر کند. دوستانش برای این که سروسامانی به وضع زندگی او بدهند، حوالی خیابان عین‌الدوله نزدیک آب انبار اتافی برایش اجاره کرده بودند تا با همسرش روزگار بگذرانند، اما بعد از مدتی که همسرش را از دست داده بود برخی دوستان سید به پرستاری و مراقبت از او پرداختند.

او این اواخر حتی از تامین معاش روزانه خود هم درمانده بود و برخی همراهانش برای این که سید بتواند درآمد مختصری داشته باشد تصمیم گرفتند دوباره روزنامه نسیم شمال را با مدیر مسئولی شخص دیگری به نام حریرچیان و با سردبیری محسن‌الحسینی منتشر کنند.

برای بار سوم بود که دوباره نشریه نسیم شمال منتشر می‌شد و در سری جدید انتشار اولین شماره آن در هشت صفحه به قطع وزیری و با چاپ سربی در چاپخانه اطلاعات نوشته و در روز پنجشنبه، ۱۷ صفر ۱۳۵۳ هجری قمری، مطابق با دهم خرداد ۱۳۱۳ خورشیدی منتشر شد. از شروع این دوره، در تمام شماره‌های بعدی، این شعر در زیر نام روزنامه چاپ شد:

به یاد اشرف دین سید ستوده خصال

مشام خویش معطر کن از نسیم شمال

درباره تاریخ وفات سید، اختلاف وجود دارد. در کتاب تاریخ جراید و مطبوعات، زمان فوت او سال ۱۳۱۴ خورشیدی ذکر شده است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۱۷۳۵/مشروطه-عصر-پرداز-طنز-یک-آشنایی>